

ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی
1	ability	توانایی	61	fell down	افتادن	121	notice	تذکر، اعلامیه، آگهی، خبر، اعلان، توجه کردن، ملاحظه کردن	181	twenty-first	بیست و یکم
2	absolutely	مطلقا، قطعا، کاملا، به هیچ وجه	62	fewer	تعداد کمتر	122	nowadays	امروزه، این روزها	182	uncountable	غیر قابل شمارش
3	according to	بر طبق، مطابق، به قول	63	fluently	(سخن گفتن، نوشتن) روان، سلیس، به راحتی	123	object	شیء، هدف، مقعول، اعتراض داشتن	183	unit	واحد
4	additional	اضافی	64	fly	مگس، پرواز دادن	124	Oceania	اقیانوسیه	184	valuable	با ارزش، گرانبها
5	Africa	آفریقا	65	foreign	بیگانه، خارجی	125	over there	آنجا	185	variation	دگرگونی، تغییر، ناپایداری، بی ثباتی
6	almost	تقریبا	66	foreigner	بیگانه، خارجی	126	own	مالک بودن، داشتن	186	vary	تغییر دادن، عوض کردن، فرق داشتن
7	America	آمریکا، کشور آمریکا	67	fourth	چهارمین، چهارم، یک چهارم	127	pack	کوله پشتی، دسته، گروه، بسته (مثل بسته سیگار وغیره)، بسته کردن	187	vocabulary	واژگان، اصطلاحات
8	American	آمریکایی	68	frequently	اغلب، مکررا، به طور پی در پی	128	paper	کاغذ	188	want	خواستن
9	amount	مبلغ، مقدار، میزان	69	glass	شیشه، لیوان	129	parking lot	توقفگاه بی سقف (برای توقف وسائط نقلیه)	189	whenever	هر وقت که، هر زمان که
10	appear	ظاهر شدن، پدیدار شدن، به نظر رسیدن	70	grade	پایه، درجه، درجه بندی، رتبه، نمره	130	passage	متن، راه	190	wish	آرزو داشتن، آرزو کردن، آرزو، خواهش
11	area	ناحیه، منطقه، بخش، حوزه	71	grass	علف، چمن	131	pencil-sharpener	مداد تراش	191	workbook	کتاب کار
12	artist	هنرمند، هنرپیشه	72	greatly	زیاد، بسیار، خیلی	132	percent	درصد	192	written	نوشتاری، کتبی
13	as early as possible	در اسرع وقت	73	grow	رشد کردن، کاشتن، پرورش دادن	133	period	دوره، مدت	193	You're welcome!	خواهش می کنم
14	Asia	قاره آسیا	74	hint	اشاره، ایما، تذکر، اشاره کردن	134	photograph	عکس برداشتن از، عکسبرداری کردن	تهیه شده توسط استاد احمد باقری		
15	at last	بالاخره	75	host	میزبانی کردن، پذیرایی کردن	135	pick	چیدن			
16	at least	حداقل	76	How many	چند تا	136	piece	قطعه، قسمت، بخش			
17	available	در دسترس، موجود، آماده	77	How much	چه مقدار	137	plenty	فراوانی، بسیاری، به مقدار فراوان	برای دیدن ویدیوهای آموزشی به چنل یوتیوب و کانال آپارات ما مراجعه کنید		
18	began	زمان گذشته ساده فعل (begin)شروع شدن	78	hundred	صد، عدد صد	138	point	نقطه، امتیاز بازی، نمره، ممیز، اشاره کردن			
19	beginner	مبتدی، تازه کار	79	improvement	بهبود، پیشرفت، اصلاح	139	population	جمعیت			
20	Belgium	بلژیک	80	in place of	در جای	140	project	طرح، نقشه، پروژه	<a href="https://www.aparat.com/Galaxyenglish.ins">https://www.aparat.com/Galaxyenglish.ins</a>		
21	belong	تعلق داشتن، مال کسی بودن	81	Indian	هندي، هندوستاني	141	pronoun	ضمير			
22	besides	بعلاوه	82	institute	موسسه، بنیاد، انجمن	142	quite	کاملا، بکلی، نسبتا			
23	borrow	قرض گرفتن، وام گرفتن	83	interestingly	جالب است که، بطرز/بطور جالب	143	reading	خواندن، قرائت، مطالعه	<a href="https://www.youtube.com/@English_with_Bagheri">https://www.youtube.com/@English_with_Bagheri</a>		
24	bottle	بطری، شیشه	84	internet	اینترنت	144	receive	دریافت کردن			
25	box	جعبه، قوطی، صندوق	85	interview	مصاحبه، مذاکره، مصاحبه کردن	145	region	ناحیه، منطقه			
26	breakfast	صبحانه، افطار	86	introduction	مقدمه، دیباچه	146	repeat	تکرار کردن/ شدن			
27	by	بوسیله، توسط، کنار، تا	87	IRIB. Islamic Republic of Iran Broadcasting	صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران	147	researcher	محقق، پژوهشگر			
28	by means of	به وسیله ی	88	is called	نامیده می شود	148	review	بررسی کردن، دوره کردن، بررسی			
29	Canadian	اهل کانادا، کانادایی	89	Islamic	اسلامی	149	run	به کار انداختن، اداره کردن، دویدن			
30	candle	شمع	90	Italian	ایتالیایی	150	Russian	روسی، اهل روسیه			
31	capital letter	حرف بزرگ	91	Japanese	ژاپنی	151	scan	اجمالا مرور کردن			
32	century	سده، قرن	92	keep off	دوری کردن (از)، اجتناب کردن، دور نگه داشتن	152	scientist	عالم، دانشمند			
33	certainly	حتما، مطمئنا	93	kilo	یک کیلوگرم، معادل هزار گرم	153	seek	جستجو کردن			
34	coffee shop	کافی شاپ	94	label	برچسب، ا티کت	154	simple	ساده			
35	communicate	ارتباط برقرار کردن، گفتگو کردن	95	language	زبان، کلام	155	slice	تکه، باریکه، قسمت			
36	communication	ارتباط	96	learner	یادگیرنده، فراگیر	156	society	جامعه، اجتماع			
37	comprehension	درک مطلب	97	learning	فراگیری، دانش، یادگیری	157	somewhere	یک جایی			
38	consider	ملاحظه کردن، توجه کردن به، رسیدگی کردن	98	loaf	قرص نان	158	song	آواز، سرود			
39	continent	قاره	99	look for	جستجو کردن	159	southern	جنوبی، اهل جنوب			
40	cost	بها، ارزش، هزینه، قیمت، ارزش داشتن	100	luckily	خوشبختانه	160	speaker	گوینده، سخنگو			
41	could	(زمان گذشته فعل can)، می توانست	101	mainly	اساسا	161	specific	ویژه، مخصوص			
42	countable	قابل شمارش	102	make up	تشکیل دادن، مرتب کردن، تمیز کردن	162	spoken	(اسم مفعول فعل speak)، گفته شده			
43	cup	فنجان، جام	103	measure	اندازه گرفتن، اقدام کردن، اقدام	163	step	قدم زدن، گام برداشتن، گام، مرحله، پله			
44	day-to-day	روزانه، روز به روز	104	measure word	کلمه اندازه گیری	164	storybook	کتاب داستان			
45	deaf	کر، فاقد قوه شنوایی	105	meat	گوشت	165	sugar	شکر			
46	despite	با وجود اینکه، علیرغم اینکه	106	media	رسانه	166	suggest	ارایه کردن، پیشنهاد کردن			
47	disappear	ناپدید شدن، غایب شدن	107	meet the needs	برآورده کردن نیازها	167	surf	جست و جو کردن(در اینترنت)، موج سواری کردن			
48	dollar	دلار (علامت اختصاری \$)	108	melon	خریزه	168	surprising	غافلگیر کننده			
49	each other	یکدیگر، همدیگر	109	mental	ذهنی، فکری، روانی	169	synonym	واژه مترادف، کلمه هم معنی			
50	escape	فرارکردن، فرار	110	mention	ذکر کردن، اشاره کردن	170	take photograph	عکس گرفتن			
51	exchange	معروضه، مبادله، مبادله کردن، عوض کردن	111	mistake	خطا، اشتباه	171	take picture	عکس گرفتن			
52	exercise	ورزش، تمرین، مشق، تمرین دادن	112	Moscow	مسکو	172	-teen	پسوند سنین 13-19			
53	exist	وجود داشتن	113	mostly	بیشتر، اساسا"	173	text	متن، کتاب درسی			

54	experience	تجربه، آزمایش، تجربه کردن	114	mother tongue	زبان مادری	174	therefore	بنابراین، بدلیل آن، سپس			
55	explain	توضیح دادن، شرح دادن	115	mouse	موش خانگی	175	third	سوم، سومین			
56	explanation	توضیح	116	native	بومی، اهلی، محلی	176	through	از میان، از وسط، کاملاً			
57	extra	زیادی، زائد، اضافی، بسیار	117	nearly	تقریباً	177	tiny	ریز، بسیار کوچک			
58	farming	کشاورزی، زراعت	118	neighbor	همسایه	178	honest	درستکار، امین، صادق			
59	faster	سریع تر	119	-ness	پسونده اسم ساز	179	turn off	خاموش کردن			
60	feeling	احساس، حس	120	no matter	اهمیتی ندارد	180	turn on	روشن کردن			